



مروری بر آنچه که در نقد «دودکش ۲» گذشت

اندکی نامیدکننده با فیلمنامه‌ای متوسط

گلساسادات بحری: سریال دودکش ۲ ابتدای تابستان امسال روی آنتن شبکه ۱ رفت و خیلی از مخاطبان انتظار داشتند که فصل جدید این سریال مانند فصل قبل طنز ظریف و جدیدی داشته باشد اما آنچه روی آنتن رفت با انتقادات فراوانی مواجه شد. هر چند که در بخش بازیگری با بازی شیرین تری از برخی بازیگران مثل امیرحسین رستمی شاهد بودیم اما در بخش‌های دیگر مثل فیلمنامه و کارگردانی «دودکش ۲» نتوانست همسان با انتظارات مخاطبان پیش برود. در همین راستا رسانه‌ها نیز نقدهای جدی زیادی به این فصل از دودکش داشتند که در ادامه و با اتمام بخش این مجموعه برخی از آنها را می‌خوانیم.



محمد تقی فهیم

«دودکش ۱» را محمد حسین لطیفی ساخت و بعد از آن «پادری» را ساخت اما چون تمایلی به ادامه دار کردن سریال نداشت و معتقد بود ادامه‌ها خوب در نمی‌آید، نامش را به «پادری» تغییر داد. «دودکش ۲» ساخته برزو نیک‌نژاد، نسبت به فصل اول و حتی «پادری» کارضعیفی است. «دودکش ۱» و «پادری» اگر چه ضعف‌هایی داشتند اما هر دو قابل قبول بودند؛ این در حالی است که متأسفانه «دودکش ۲» فاقد عناصر جذاب و پرکشش است. در ساخت ادامه سریال‌ها که عموماً خوب در نمی‌آید (به جز «تون خ» و «پایتخت») عموماً دوستان بر اساس همان عناصر و کلیشه‌های جواب‌داده‌ی فصل‌های اول جلو می‌روند؛ در حالی که ادامه سریال باید مستقل باشد و در عین حفظ کاراکترها با ویژگی‌های ثابتشان، سریال باید دارای ویژگی‌های جدیدی هم باشد. در «دودکش ۲» ما نوگرایی نمی‌بینیم و حتی از نظر داستان‌پردازی و پرداخت شخصیت‌ها کار عقب رفت دارد. خواسته‌اند که کار را تغییر دهند و در این مسیر به سمت شخصیت‌های جاقی و لاغر و خنگ بازی یک شخصیت و کپی برداری از لورل و هاردی رفته‌اند؛ در حالی که زمین تا آسمان با آنها متفاوت هستند و قادر نیستند همچون فضایی را ایجاد کرده و همچون عناصر جذابی ارائه دهند. شخصیت بهروز خنگ تر شده است؛ این چه میمیک صورتی است؟ مگر با حرکت چشم و ابرو عاشقش می‌شوند؟ بهروز را ناقص کرده‌اند.



مریم فاطمی

نقطه قوت دیگر دودکش، طنز مناسب آن است که ترکیبی از طنز کلامی و طنز موقعیت می‌باشد. نکته مهم این است که دودکش در عین این که طنز پر رنگی دارد و کمتر صحنه‌ای می‌توان در آن پیدا کرد که در آن شوخی و طنز نباشد اما به دام ابتذال و لودگی و حرکات و کلمات سخیف و جلف نیفتاده است. یکی از جوه طنز موفق سریال، تکیه کلام‌هایی است که کاراکترها از آنها استفاده می‌کنند. به عنوان مثال تکیه کلام‌هایی مانند «به ضرس قاطع»، «قطع به یقین»، «مغلطه»، «سفسطه» و ... از دهان آدم‌های عادی که حداکثر میزان سواد آنها دیپلم است خارج می‌شود و به طور مکرر نیز اتفاق می‌افتد که این پارادوکس ایجاد طنز می‌کند. یکی از نقاط ضعف دودکش غیر منطقی بودن و نداشتن منطق روایی برخی از حوادث داستان برمی‌گردد که اتفاقاً گاهی این حوادث، مبنای حوادث دیگر نیز قرار می‌گیرند و چند قسمت براساس آن حادثه شکل می‌گیرد.



جبار آدین

در فصل نخست ظرفیت پردازش مسائل خانوادگی و اجتماعی با رویکرد طنز بسیار گویاتر، پویاتر و مقبول تر از فصل دوم بود. در فصل دوم بسترسازی برای حوادث اصلی بسیار کند صورت می‌گیرد. همچنین مخاطب بعضی برخوردها و تکیه کلام‌های تکراری در فصل نخست را در فصل دوم مشاهده می‌کند. تمام همت فیلمنامه‌نویسان و کارگردان صرف حرکت در مسیر دودکش یک شده و موضوع اصلی سریال تحت الشعاع یافتن نیمه گمشده بهروز (بابازی امیرحسین رستمی) قرار گرفته است. مخاطب از این نوع سریال‌ها انتظار بازخوردهای حادثه‌ای دارد. اگر قرار باشد هیچ حرکت جذاب و پیگیرانه‌ای در بدنه داستان ایجاد نشود، طرح داستان‌های فرعی فقط به درازگویی در سریال می‌انجامد.



نیما نعمتی زاده

جدا از فصل پیشین، کار دارای سکناس‌های طولانی و گاه نسبتاً طولانی و کم اثر است، تا جایی که کمک چندانی به پیشبرد داستان نمی‌کند. نویسنده تلاش دارد با تکرار تکیه کلام‌ها، شوخی و ویژگی‌های شخصیت‌های قبلی، داستان را پیش ببرد اما بدنه رویدادها پاسخگوی جذب مخاطب نبوده و ملاحظاتی نیز ندارد. به عبارتی نزدیک تر، داستان کشش فصل قبل را نداشته و تقریباً خالی است. شخصیت‌ها نیز به شیرینی قبل نیستند که بخش بزرگی از آن به کارگردانی برمی‌گردد. برزو نیک‌نژاد در هدایت بازیگران به گونه‌ای عمل کرده که بیننده شخصیت‌ها را خیلی به جانپورده نمی‌شناسد. کاراکترهایی که تماشاگر مدت‌ها با آنها زندگی کرده بودند. یکی از ویژگی‌های مجموعه‌های چند فصلی، تدلوم فضا و ویژگی شخصیت‌های آشناست آنچه که تماشاگر شاهد است، ایجاد خلل در ظاهر آدم‌های داستان است. البته تغییر ظاهر کاراکترهای آشنا، قبلاً در سریال چند فصلی پایتخت تجربه شده بود که این ریسک تا اندازه‌ای جواب‌پدی نداد. از طرفی، به نظر می‌رسد بازیگران دودکش انگیزه‌شان سست شده و حوصله صرف انرژی را ندارند.



مشرق نیوز

سریال به قدری بی کیفیت نوشته شده که شخصیت‌های سریال در یکی از قسمت‌ها ۲۵ دقیقه مشغول بازی اسم و فامیل هستند و بدترین بخش سریال تمسخر شهروندان افغانستانی است. امیر نامیرا یکی از اکانت‌های فعال از برادران افغانستانی در توئیتر خطاب به سازندگان این سریال می‌نویسد: آقایان و خانم‌های عوامل سریال دودکش ۲! یکی از سکناس‌های امشب‌تان که در آن چند تا کارگر جوان افغانستانی را به نمایش گذاشتید خیلی خیلی بد بود. به نظر من سرشار از کنایه و تمسخر و منت گذاشتن به مهاجرین ساکن جمهوری اسلامی ایران بود. من به جای شما شرم‌منده شدم.



روزنامه جوان

هشت سال از دودکش یک می‌گذرد و این در بطن داستان و بزرگ شدن کودکان سریال مشخص است، اما تکیه کلام‌ها هیچ تغییری نکرده فقط نقش بهروز اغراق شده و حتی به خنگ بودنش هم افزوده شده است و اضافه کنید که نصرت با بازی بهنام تشکر لحن گفتاری نامرئومی دارد و منطق این گونه لحن گفتاری که نشانی از مردی ندارد، مشخص نیست، از طرفی روند بی‌اخلاقی در خانواده به اوج خود رسیده و کل کل‌های فیروز، نصرت و بهروز نه تنها ربطی به شوخی کم‌دی ندارد بلکه خانواده را زیر سؤال می‌برد، البته این موضوع در فصل یک هم وجود داشت، اما چگالی این بی‌اخلاقی‌ها با کل کل‌های بی‌مورد یا زیر سؤال بردن نوع زندگی هم کمتر بود یا با توجه به کارگردانی ساختار مطلوب‌تری داشت.